



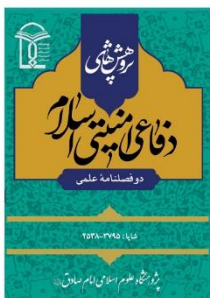
Imam Sadiq Research Institute
for Islamic Sciences

Research Institute for Political
and Defence Studies

ISSN: 2538-3795

Website: <http://ids.isri.ac.ir>

Volume : 1 ; Number : 2



The Impact of Islamic Monotheistic Principles on the Ethical Performance of Military Forces, with Emphasis on the Issue of Power

Mohammad Javad Fallah*

<https://doi.org/10.22034/ids.2025.213978>

Received: 8/26/2024 - Accepted: 11/3/2024

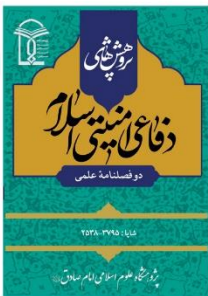
(119-135)

Abstract

The ethical performance of military forces depends on the intellectual and ideological foundations that are accepted at the personal and organizational levels. The main question of this research focuses on how the principles of monotheism affect the ethical performance of military forces, with emphasis on the issue of power. The analytical study of Islamic sources shows that the military forces under the umbrella of a religious government, by being influenced by the principles of monotheism, while believing in the intermediary and entrusted nature of power, take actions to promote the تعالی of all members of society and maintain the Islamic sovereignty in the face of uncompromising enemies, and in dealing with internal factors, they treat with kindness and mercy, therefore, they do not commit violence, insult, murder and killing. The differences in the performance of military forces in the field with the military forces of other countries indicate the different effects of monotheistic and non-monotheistic principles in their ethical performance, which this article will explain by using library and descriptive-analytical methods.

Keywords: Military ethics, applied ethics, principles of military ethics, monotheistic principles, military forces

*. Associate Professor, Department of Ethics, Islamic Education University, Qom, Iran; mjfallah.ac@gmail.com



تأثیر مبانی توحیدی اسلامی در عملکرد اخلاقی نیروهای نظامی با تاکید بر مقوله قدرت

محمدجواد فلاح*

شناسه دیجیتال (DOI): <https://doi.org/10.22034/ids.2025.213978>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۸/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۳
(۱۳۵-۱۱۹)

چکیده

عملکرد اخلاقی نیروهای نظامی وابسته به مبانی فکری و دیدگاهی است که به جهت شخصی و سازمانی مورد پذیرش قرار گرفته است. سوال اصلی این پژوهش بر چگونگی تأثیر مبانی توحیدی بر عملکرد اخلاقی نیروهای نظامی با تأکید بر مقوله قدرت متمرکز است. بررسی تحلیلی منابع اسلامی نشان می‌دهد که نیروهای نظامی تحت لوای حکومت دینی بواسطه تأثیر پذیری از مبانی توحیدی ضمن باور به واسطه‌ای بودن و امانت بودن قدرت اقدامات خود را در جهت ارتقای تعالی آحاد جامعه و حفظ حاکمیت اسلامی در مواجهه با دشمنان سخت گیرانه و در برخورد با عوامل داخلی همراه با رافت و رحمت برخورد کرده از این جهت مرتکب خشونت و توهین و قتل و کشت و کشتار نمی‌گردد. تفاوت‌های عملکردی نیروهای نظامی در عرصه‌های میدانی با نیروهای نظامی دیگر کشورها نمایانگر تأثیر متفاوت مبانی توحیدی و غیر توحیدی در نوع عملکرد اخلاقی آنهاست که مقاله حاضر به روش کتابخانه و روش توصیفی - تحلیلی آن را تبیین خواهد کرد. کلید واژه‌ها: اخلاق نظامی، اخلاق کاربردی، مبانی اخلاق نظامی، مبانی توحیدی، نیروهای نظامی

بیان مسئله

از جمله مشاغل و حرفه‌هایی که همواره با مسائل اخلاق مواجه اند نیروهای نظامی و انتظامی است. اصطلاح «نیروی نظامی» از دو بخش واژه‌ای «نیرو» به معنی قدرت و توان، و «نظامی» (از نظم عربی) به معنای سپاهی و لشکری تشکیل شده است. از آنجا که این واژه پیشینه‌ای در کاربردهای متن‌های کلاسیک ایران ندارد بر ساخته‌ای نو به نظر می‌آید، گویا ترجمه‌ای مستقیم از واژه «Armed Forces» انگلیسی باشد. [military, enwiki] با این همه این واژه در حالت کلی خود اشاره به «military power» یا توان نظامی هم دارد و همین‌طور در کاربرد «شبه نظامی» می‌تواند ترجمه‌ای از واژه «militia» لاتین باشد، گو اینکه در معدود فرهنگ‌های فارسی که نیروی نظامی را در جستارهای خود دارند و این خود نشان از تازه ساخت بودن این واژه دارد واژه «میلیشیا» یا همان «militia» را در برابرش نهاده‌اند. می‌توان این‌طور نتیجه گرفت که واژه «نیروی نظامی» اگرچه خاستگاه نخستینش عبارتی لاتین یا انگلیسی بوده است ولی از آنجا که در گستره کاربرد فارسی معانی متنوعی به خود گرفته است اکنون یافتن ترجمه‌ای کامل از آن در زبان مبدأ انگلیسی بسیار دشوار است. گفتمانی ست واژه «نظام» که اسم برای صفت «نظامی» است، واژه‌ای کلی به معنای سامان (چارچوب نظم یافته) است که یکی از کاربردهایش نیروی جنگنده رسمی یا همان ارتش است. از این‌رو این واژه نیز در کاربرد نظامیش زیر مجموعه «نیروی نظامی» قرار می‌گیرد. در کتب لغت نیز انتظامی در لغت به معنی: منسوب به انتظام. قوای انتظامی؛ قوه‌هایی که حفظ نظم و آرامش مملکت به عهده آنهاست، مانند ارتش و شهربانی و ژاندارمری است. (معین، ۱: ۱۳۸۲، ص ۳۱۸)

آنچه‌ای که در معانی لغوی و اصطلاحی مشهود است در این ترکیب مسئله قدرت و اعمال آن مورد توجه است که این مسئله پای مباحث اخلاقی رابه جهاتی به میان می‌آورد. مسائل اخلاقی و حقوقی جنگ و دفاع همواره مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفته است؛ کتاب اخلاق جنگ و صلح: مقدمه‌ای بر مسائل اخلاقی و حقوقی اثر پاول کریستوفر است که منتشر شده در سال ۱۹۹۴ بخشی از این تلاش‌هاست؛ در کتاب مسائل اخلاقی در تصمیم‌گیری نظامی اثر آنتونی هارتل (انتشار یافته در سال ۱۹۸۹) که دانشگاه کانزاس پرس

آن را منتشر کرده و در اصل یک تحلیل اخلاقی بسیار مفید توسط یک سرباز محقق برجسته ارتش آمریکا در باره تصمیم‌گیری نظامی است که به قضاوت‌های اخلاقی پرداخته است. اما نگرش‌های دینی و مبانی متخذ از ادیان نیز از جمله تلاش‌های پژوهشی است که در این زمینه صورت گرفته است به عنوان نمونه کتاب نگرش‌های مسیحیان به سمت جنگ و صلح: یک بررسی تاریخی و ارزیابی مجدد بحرانی نوشته رولان باینتون از آثاری است که در این زمینه منتشر شد و مربوط به سال ۱۹۶۰ میلادی است که با اندیشه مسیحی و نگرش مذهبی مسئله اخلاق نظامی را بر تمرکز بر اخلاق صلح و جنگ مورد توجه قرار داده است و بررسی تاریخی اندیشه مسیحیان درباره اخلاق و جنگ را مد نظر قرار داده است. کما اینکه برخی به شکل تطبیقی به این مقوله پرداخته‌اند. ناردین، تری، ویرایش. (۱۹۹۶) در کتاب اخلاق جنگ و صلح: دیدگاه‌های مذهبی و سکولار تلاش مفیدی برای مقایسه سنت‌های اخلاقی اسلامی، یهودی، صلح‌جویانه، فمینیستی و واقع‌گرایانه با دسته‌های استناددار تحلیل عادلانه غربی کرده است؛

برخی متفکران غربی به بررسی تاثیر نگرش‌های دین اسلام نیز پرداخته‌اند به عنوان نمونه کتاب اسلام و جنگ: مطالعه اخلاق تطبیقی. لوئیزویل اثرکلسی، جان. (۱۹۹۲). بهترین بحث کوتاه اندیشه اسلامی درباره جنگ را مورد توجه قرار داده است. این مسئله نشان می‌دهد تا چه حد نگرش‌های دینی منطبق با ادیان در عملکرد اخلاقی در جنگ تاثیر گذار است از این رو یکی از مسائلی که می‌تواند منجر به توسعه اخلاق نظامی و ارتقای تفکر و اندیشه نظامیان در مواجهه با مسائل و حوادث نظامی و انتظامی شود تبیین دیدگاه توحیدی و تاثیر آن در عملکرد آنها به عنوان نیروهای حافظ امنیت و مرزبانان نظام اسلامی است. نوع مبانی فکری می‌تواند منجر به عملکرد افراد در حیطه‌های فردی، اجتماعی و حرفه‌ای گردد. از اینرو توجه به این مبانی بر اساس اندیشه اسلامی می‌تواند زمینه‌ساز ظرفیت‌های اخلاقی متفاوتی برای افراد شود. واژه مبانی، جمع مبنا است و به معنی شالوده‌ها، مضامین، به معنی کلی بنا، بنیاد، شالوده، بنیان و اساس آمده است. در اینجا به مبانی مهم و تاثیرگذار دخیل در بحث اخلاق نظامی؛ متمرکز خواهیم شد. برخی از صاحب‌نظران به بررسی تاثیر این مبانی بر اساس منابع اسلامی پرداخته‌اند به عنوان نمونه

آیت الله مصباح یزدی در کتاب جنگ و جهاد در قران به شکل مبسوط به این مبانی پرداخته‌اند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۲۵) یا استاد قرائتی در کتاب اخلاق نظامی تاثیر این مبانی را با نگاه قرآنی پی گرفته است (قرائتی، ۱۳۹۲)

توجه به مبانی اخلاق نظامی در اینجا ما را به تفاوت‌های نظام اخلاقی اسلام با سایر نظام‌ها رهنمون خواهد کرد. بررسی و تحلیل این مبانی با تاکید بر فعالیت‌های نظامیان نشان خواهد داد که اندیشه متعالی اسلامی و نوع نگاهی که به انسان وهستی دارد و نیز تفسیری که از ارزش‌های اخلاقی ارائه می‌کند تا چه اندازه در عملکرد اخلاقی نظامیان تاثیر گذار است و تعالی اخلاقی و عملکردی آنان را توسعه می‌دهد. بر این اساس مهم‌ترین و موثرترین مبانی نظری تاثیر گذار در حیطه ی اخلاقی نظامیان را با تمرکز بر مبانی توحیدی مورد توجه قرار می‌دهیم.

۱. تاثیر امانت انگاری قدرت در عملکرد نظامیان

قدرت در لغت به معنی "توانایی مجبور کردن برای فرمانبرداری" و "ظرفیت یا توانایی انجام و تولید یک نتیجه" است. این واژه مترادف با مفاهیمی چون کنترل، اقتدار، فرمان، تسلط، اختیار قانونی و ... به کار رفته است. (Webster, 2003, Eleventh ed, p973)

قدرت در اصطلاح، عبارت از ظرفیت یا توانایی بالقوه و تغییر دیگران است. (افجه، ۱۳۸۵: ۳۷۲) به تعبیر دیگر، توان الف در اعمال نفوذ بر رفتار ب، به گونه‌ای که ب کاری را انجام دهد، که اگر چنین قدرتی اعمال نمی‌شد، وی آن را به گونه‌ای دیگر انجام می‌داد. (رابینز، ۱۳۸۶: ۲۴۴) در این تعاریف، "قدرت" به صورت یک نیروی بالقوه تعریف شده، که ممکن است، فردی قدرت داشته باشد؛ ولی آن را بروز ندهد .

به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران، نگرش جدید به مفهوم قدرت در بستر اندیشه مدرن، با دیدگاه‌های توماس هابز (Thomas Hobbes: 1588-1679) آغاز می‌شود. او به عنوان طراح اصلی تفکر سیاسی مدرن در زمینه قدرت معرفی می‌شود. (نظری، ۱۳۸۴: ۲۶۲)

یکی از مولفه های مهم در نیروهای نظامی مسئله قدرت است که نوع نگاه به آن می‌تواند در سلوک اخلاقی نظامیان بسیار تاثیر گذار باشد. اینکه آیا قدرت یک نیروی نظامی به

جهت فردی وابسته به نیروهای درونی خویش است یا برگرفته از یک منبع متعالی و یا اینکه قدرت نظامیان باید با چه هدف وانگیزه ای اعمال شود می‌تواند در مسئله تاثیر گذار باشد. از منظر کلامی درباره فاعلی که کار خودش را با اختیار و اراده خودش انجام می‌دهد گفته می‌شود: نسبت به کار خویش «قدرت» دارد. پس قدرت عبارت است از مبدئیت فاعل مختار برای عملی که ممکن است از آن فاعل مختار سر بزند. هر مقدار فاعل از نظر مرتبه وجودی، کامل تر باشد دارای قدرت بیشتری خواهد بود؛ طبعاً موجودی که دارای کمال بی‌نهایت باشد قدرتش نامحدود خواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۷۷) «إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ خداوند بر هر چیز تواناست». (بقره/۲۰)

بر اساس مبانی اعتقادی و کلامی شیعه قادر مطلق، خدای متعال است و اگر انسان‌ها قدرت دارند، برگرفته از قدرت الهی است و در واقع قدرت انسان‌ها در طول قدرت الهی قرار دارد و هر لحظه پروردگار عالم می‌تواند این قدرت را بگیرد. نیروهای نظامی و انتظامی باید این مطلب مهم را مد نظر داشته باشند که مقام و قدرتی که اکنون از آن برخوردار هستند از طرف قادر مطلق نزد آنان به امانت رسیده است. پس باید این قدرت را در حدودی که خدای متعال اجازه داده است به کار بگیرند و از آن سوء استفاده نکنند، در غیر این صورت در این امانت مهم الهی خیانت کرده اند و این خود اهمّیت قدرت و حساسیت قدرت در نیروهای نظامی و انتظامی را نشان می‌دهد. قدرتی که یک نیروی نظامی دارد قدرت مستقل نیست، از اینرو اگر همواره قدرت خود را متصل به قدرت لایزال الهی بدانند، هم از طرفی دچار غرور و سرکشی و ستم نمی‌شود و هم از سویی ناامید و ناتوان نخواهد شد و همواره در مسیر دفاع، نشاط روحی و قلبی را به همراه خواهد داشت.

بر اساس مبانی اخلاق اسلامی هر قدرتی در جهان شعبه‌ای از قدرت الهی است و نمی‌توان هیچ قدرتی را مستقل از خداوند قادر متعال دانست. استقلال در قدرت باعث اقتدار منفی و شکل گرفتن روحیه استکبار و چپاول است؛ چیزی که برخی کشورهای استعمارگرا در بر گرفته است و منجر به سلطه جویی آنان شده. نیروی نظامی که قدرت خود را مبتنی بر قدرت و مشیت الهی می‌داند و آن را به منزله امانت الهی می‌انگارد، در به کارگیری آن در اهداف غیر اخلاقی پرهیز می‌کند. البته این مبنا در مباحث اخلاقی هم مورد

توجه قرار گرفته و کسانی مثل نیچه معیار اخلاقی بودن را به چنین قدرتی گره می‌زنند. علامه مصباح یزدی^۱ در نقد دیدگاه نیچه ابتدا تعریف وی را از «خوب» و «بد» اخلاقی آورده‌اند: «نیک چیست؟ آنچه حس قدرت را تشدید می‌کند، اراده به قدرت و خود قدرت را در انسان. بد چیست؟ آنچه از ناتوانی می‌زاید. نیک بختی چیست؟ احساس این که قدرت افزایش می‌یابد؛ احساس چیره شدن بر مانعی. نه خرسندی بل قدرت بیشتر. ... ناتوانان و ناتندرستان باید نابود شوند: این است نخستین اصل بشر دوستی ما. انسان باید آنها را (یعنی ناتوانان و ناتندرستان را) در این مهم یاری کند. چه چیز زیان‌بخش‌تر از هر تباهی است؟ همدردی فعال نسبت به ناتوانان و ناتندرستان؛ یعنی مسیحیت» (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۲۱۵)

این مبنا و معیار با اخلاق چه خواهد کرد؟ تاریخ گواه تاثیر این مبنای اخلاقی است. نتیجه طبیعی رواج چنین دیدگاهی درباره اخلاق، ظهور جنایت‌کاران و سلطه‌جویانی مانند هیتلر (۱۸۸۹ - ۱۹۴۵) و پیدایش فاجعه جنگ جهانی دوم بود. (استرن، ۱۳۷۳: ۱۲۳ و ۱۲۸) به عنوان نمونه از تاثیرپذیری چنین مبنایی هیتلر تأثیرپذیری خود را از دیدگاه نیچه و همچنین نظریه تکامل داروین، چنین بیان می‌کند: «اگر ما به قانون طبیعت احترام نگذاریم و اراده خود را به حکم قوی‌تر بودن به دیگران تحمیل نکنیم، روزی خواهد رسید که حیوانات وحشی ما را دوباره خواهند درید و آن‌گاه حشرات نیز حیوانات را خواهند خورد و چیزی بر زمین نخواهد ماند مگر میکروب‌ها. (سروش، ۳۰: ۱۳۶۰) اشکال جدی به این مکتب فدا کردن عدلی که عقل می‌پذیرد برای قدرت است. بنابراین، اگر کاری ظالمانه موجب افزایش قدرت شود، آن کار از نظر نیچه «خوب» است و یا اگر کاری عادلانه موجب کاهش و ضعف قدرت شود، آن کار «بد» خواهد بود. (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۲۱۹)

براساس تعریف دانشمندان اسلامی قدرت عبارت است از مبدئیت فاعل مختار برای عملی که ممکن است از آن فاعل مختار سر بزند. و هر مقدار فاعل از نظر مرتبه وجودی، کامل‌تر باشد دارای قدرت بیشتری خواهد بود و طبعاً موجودی که دارای کمال بی‌نهایت باشد قدرتش نامحدود خواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۷۷) «إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ خداوند بر هر چیز تواناست» (بقره، ۲۰). در دیدگاه اسلامی قدرت باید هدفمند باشد

و این قدرت خاستگاهش خود انسان نیست بلکه هدیه و نعمتی است از جانب خداوند. از سوی دیگر به کار گیری چنین قدرتی در مواردی است که خداوند می پسندد و الا اعمال قدرت در اموری که مورد رضایت الهی نیست غیر اخلاقی و ناپسند است.

در مسائل نظامی قدرت ابعاد مختلفی دارد چه از جهت نیروی انسانی و چه ابزار و ادوات جنگی؛ لذا نیروهای نظامی و انتظامی باید این مطلب مهم را مد نظر داشته باشند که مقام و قدرتی که از آن برخوردار هستند شعبه‌ای از قدرت الهی و بر اساس اراده الهی است. ولی آنچه آنها تشریعا باید مد نظر داشته باشند نحوه به کار گیری این قدرت است که می تواند اخلاقی یا غیر اخلاقی باشد. ظلم و تعدی، ویرانگری، چپاول، استکبار و استثمار از مصادیق غیر اخلاقی اعمال قدرت است که در روزگار ما از جانب برخی قدرت های جهانی صورت می گیرد و دفاع از مظلوم، حراست از ناموس، دین و کشور اسلامی از مصادیق درست و اخلاقی اعمال قدرت است. پس می توان قدرت نظامیان را امانت الهی دانست که نظامیان باید آن را در حدودی که خداوند متعال اجازه داده است به کار گیرند و از آن سوء استفاده نکنند، در غیر این صورت در این امانت مهم الهی خیانت کرده‌اند و این خود اهمیّت قدرت و حساسیت قدرت در نیروهای نظامی و انتظامی را نشان می دهد. قدرتی که یک نیروی نظامی دارد قدرت مستقل نیست از اینرو اگر همواره قدرت خود را متصل به قدرت لایزال الهی بداند، تاثیر چنین دیدگاه و انگاره ای باعث می شود که فرد یا سازمان هم از طرفی دچار غرور و سرکشی و ستم نمی شود و هم از سویی نا امید و ناتوان نخواهد شد و همواره در مسیر دفاع، نشاط روحی و قلبی را به همراه خواهد داشت؛ از این جهت پذیرش یا عدم پذیرش این مبنا در اخلاق نظامیان چه در حوزه فردی و چه حوزه های اجتماعی و نظامی تاثیر گذار است. پذیرش این مبنا هم در حیطه معرفتی و هم جنبه های عاطفی و رفتارهای نیروهای نظامی تاثیر گذار خواهد بود.

نکته ی دیگر مسئله تزامن قدرت های مادی است. عالم انسانی اقتضا می کند منافع مادی افراد در تزامن با یکدیگر قرار گیرد از این جهت افراد ممکن است به یکدیگر ظلم کنند. برای جلوگیری از چنین ظلم هایی باید بشر قوانین و روش های صحیحی را برای مدیریت جامعه اتخاذ کند. از این جهت مسئله جنگ و صلح و دفاع باید بر اساس یک

سری قوانین صحیح و درست باشد. به عبارت دیگر افراد جامعه حق دارند از امکانات و نعمت‌های الهی استفاده کنند اما از آن جا که انسان‌ها دارای ویژگی‌های خاصی هستند و جهان مادی نیز دارای محدودیت می‌باشد، انسان‌ها به طور قطع در استفاده کردن از این نعمت‌ها دچار تراحم می‌شوند و به خاطر آنکه این تراحم رفع و سامان دهی اجتماعی، شکل گیرد، جامعه هم به برنامه نیاز دارد و هم به مجریانی که این برنامه را اجرا کنند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۵۱) در دیدگاه اسلامی اجرای چنین برنامه‌هایی باید بر اساس یک منبع معتبر باشد به نام وحی. از اینرو در مسئله جنگ و مبارزه نیز قوانینی الهی مسیر درست جنگ را رهنمون می‌سازد. آخرین نکته در این باب اینکه حکمت الهی بر توزیع قدرت بین انسان‌ها استوار است؛ لذا این حکمت اقتضا ایجاب می‌کند که قدرت و تسلط یک فرد و گروه به گونه‌ای نباشد که قدرت و اختیار از گروه‌ها و افراد دیگر سلب شود، به گونه‌ای که از تکامل اختیاری و انسانی خویش محروم شوند؛ زیرا این عارضه برای بشر خسارت بار است و به تعبیر قرآن، به تباهی و فساد زمین می‌انجامد و با هدف عالی خلقت سازش ندارد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۴۶)

این مسئله این نکته را رهنمون می‌سازد که توزیع قدرت باید عادلانه باشد و قدرت باید در مسیر هدایت اختیاری انسان‌ها شکل گیرد لذا نمی‌توان با استفاده از قدرت نظامی چنین هدایت و تعالی را رقم زد. در اصل اینجانبه از دیدگاه اسلام به قدرت ارتباط به سیاست‌های نظامی جامعه اسلام و سازمان‌های نظامی دارد. در اصل هدف از قدرت توسعه دامنه اختیار افراد برای دست یابی به هدایت و تعالی اختیاری است. نه زورگویی و تسلط و تسخیر اجباری افراد و جوامع.

۲. رحمت الهی لازمه قدرت

یکی از مبانی که در دیدگاه اسلامی مورد توجه است توأمان بودن غضب و رحمت و جمع شدن این دو صفت بظاهر متناقض در دیدگاه اسلامی است. در اصل غضب شعبه‌ای از رحمانیت الهی است که باعث اصلاح و کمال فرد و جامعه می‌گردد و از این جهت جلوه‌ای از رحمت عام الهی است، با این تفسیر که مبداء هر دو یکی است. این ویژگی به نوع اطلاق

صفات به خداوند نیز بی ارتباط نیست برخورداری خداوند از صفت رحمت است که در دو صفت رحمان و رحیم تبلور یافته است. رحمان رحمت عام الهی است و برای همگان و رحیم رحمت خاص الهی است برای مومنان. وقتی این کلمه صفت خداوند می شود، معنای نیکی کردن و احسان به خود می گیرد. از دیدگاه کلام شیعی، رحمت الهی، به معنی افاضه کردن خیر بر نیازمندان و زیرستان و دستگیری از آن‌ها می باشد. رحمت الهی از ویژگی های کمال و عمومیت، تمامیت، بهره مند شده است. «تمامیت» به این معنا است که خدای متعال می خواهد نیازمندی و ناتوانی را از همه نیازمندان بردارد. «عمومیت» به این معنا است که وسعت رحمت الهی هم شایستگان و نیک سیرتان را در شامل می شود و هم سرکشان و بدسیرتان را. «کمال» بدین معنی است که خداوند همانند مردمان مهربان و نیکوکار، در اثر مهربانی آوردن و نیکی کردن، دچار تعب و رنج نمی شود. رحمت الهی دو نوع است:

الف. رحمت رحمانیه؛ یعنی رحمتی فراگیر و بی کران که همه هستی را شامل می شود.
ب. رحمت رحیمیه؛ یعنی رحمتی که تنها شایستگان و پرهیزکاران را شامل می شود. مراد بعضی از آیات قرآن کریم، رحمت رحیمیه است و مراد بعضی دیگر، رحمت رحمانیه است.

در بعضی از آیات قرآن کریم، هر دو نوع رحمت بیان گردیده است. این رحمت فراگیر، با بعثت پیامبران الهی، نزول باران، توانایی یافتن انسان بر تسخیر پدیده های طبیعت، دورکردن بلاها از انسان، آسان گرفتن پروردگار عالم نسبت به انسان‌ها و قبول شدن توبه انسان، بروز و ظهور می یابد. انسان‌ها با انجام بعضی از اعمال، خود را بیش تر در معرض رحمت خداوند قرار می دهند؛ اعمالی مانند احسان و نیکی کردن به دیگران، جهاد فی سبیل الله، شکیبایی و صبر و اطاعت از خداوند و رسولش.

از آنجا که نیروهای نظامی و انتظامی یکی از مجریان قانون و عدل و عدالت در بین مردم هستند باید این صفت الهی را سرلوحه خود قرار داده و سعی کنند مظهر رحمت الهی باشند و همیشه با رأفت و مهربانی با مردم و زیردستان خود رفتار نمایند. جنبه رحمانیت الهی گاهی اقتضا می کند سختی و دشواری برای انسان ایجاد شود. نیروی نظامی نیز باید از باب

لطف و خیر برای مردم تلاش کند؛ از سویی این مسئله یعنی توجه به رحمت حق باعث تلطیف روحیه نظامی افراد و توجه به انسان‌ها به عنوان عیال‌الله خواهد شد.

پرسش قابل طرح اینکه آیا خداوند که به صفت رحمت شناخته شده است اراده کننده جنگ و نزاع‌ها در عالم است؟ به باور آیت‌الله مصباح یزدی^۱ توجه به این نکته هم لازم است که «جنگ و جدال‌ها تا آن جا که موجب خیر و صلاح انسان باشد، «اصالتاً» متعلق اراده خداوند است، اما آن جا که مستلزم شرّ و فساد گردد «بالتبع» متعلق اراده خداوند خواهد بود» (همان: ۳۳) به‌طور این مطلب در روایات اسلامی، به طرز خاص و زبانی ویژه بیان گردیده است؛ مثلاً در برخی دعاها می‌خوانیم: يَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ؛ ای کسی که رحمتش بر غضب او پیشی گرفته است (همان، ص ۳۴)

در بعضی از آیات قرآن کریم، هر دو نوع رحمت بیان گردیده است. این رحمت فراگیر، با بعثت پیامبران الهی، (انعام: ۱۴۷؛ اعراف: ۱۵۶؛ اسراء: ۱۰۰؛ غافر: ۷) نزول باران (فرقان: ۴۸؛ شوری: ۱۲۸)، توانایی یافتن انسان بر تسخیر پدیده‌های طبیعت (نحل: ۷-۵؛ اسراء: ۶۶؛ قصص: ۷۳)، دور کردن بلاها از انسان (ر. ک: اعراف: ۷۲؛ یونس: ۲۱؛ هود: ۵۸، ۶۶ و ۹۱؛ کهف: ۱۶؛ انبیاء: ۸۳ و ۸۴؛ روم: ۳۳؛ یس: ۴۳ و ۴۴؛ فصلت: ۵۰)، آسان گرفتن پروردگار عالم نسبت به انسان‌ها (ر. ک: بقره: ۱۸۲-۱۷۳؛ مائده: ۳؛ نحل: ۱۱۵) و قبول شدن توبه انسان (بقره: ۳۷)، بروز و ظهور می‌یابد. انسان‌ها با انجام بعضی از اعمال خود را بیش‌تر در معرض رحمت خداوند قرار می‌دهند؛ اعمالی مانند احسان و نیکی کردن به دیگران (ر. ک: اعراف (۷): ۵۶)، جهاد فی سبیل‌الله (ر. ک: بقره: ۲۱۸)، شکیبایی و صبر (ر. ک: بقره: ۱۵۶ و ۱۵۷؛ نساء: ۲۵) و اطاعت از خداوند و رسولش (آل عمران: ۱۳۱). براین اساس خداوند متعال فیاض مطلق و دارای رحمت بی‌نهایت است و همه موجودات به فراخور ظرفیتشان از رحمت و بخشش‌های او بهره‌مندند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ۱، ۳۳۹)

این ویژگی اقتضا می‌کند نیروهای نظامی در عین برخورداری از قدرت به چنین صفتی هم آراسته باشند و رافت و رحمت را در عملکرد خود نسبت به همکاران زیر دستان و مردم و حتی در جنگ و مبارزه سرلوحه قرار دهند.

در برخی دیدگاه‌ها به نظامیان صرفاً خشم و غضب آموخته می‌شود و عواطف و احساسات

ورافت قلبی را مخالف نظامی گری می دانند و از این جهت سعی می کنند نظامیان و سربازان را به گونه‌ای تربیت کنند که هیچ حس دلسوزی و ترحم در آنها شکل نگیرد در صورتی که در مبانی اسلامی حتی غضب و خشم نظامیان برای تربیت توحیدی افراد و رسیدن آنها به کمال و از بین بردن موانع رشد و هدایت آدمیان است؛ حتی می توان برخی نمادهای غضب الود و تنبیهات نظامی را به منزله مصداق چنین رحمتی دانست. از آنجا که نیروهای نظامی و انتظامی یکی از مجریان قانون و عدل و عدالت در بین مردم هستند باید این صفت الهی را سرلوحه خود قرار داده و سعی کنند که مظهر رحمت الهی باشند و همیشه با رأفت و مهربانی با مردم و زبردستان خود رفتار نمایند. جنبه رحمانیت الهی گاهی اقتضا می کند سختی و دشواری برای انسان ایجاد شود. نیروی نظامی نیز باید از باب لطف و خیر برای مردم تلاش کند از سویی این مسئله یعنی توجه به رحمت حق باعث تلطیف روحیه نظامی افراد و توجه به انسان‌ها به عنوان عیال الله خواهد شد. البته این معنایش این نیست که افراد نسبت به دشمنان خدا نرمی نشان دهند. از اینرو خداوند با علم به چنین رویه‌ای در زندگی بشری شروری مثل جنگ را در جهت سعادت انسان اراده کرده است. علامه مصباح یزدی با طرح این پرسش که «آیا وقوع جنگ، در نظام تکوین، ملحوظ است و اراده خداوند به آن تعلق گرفته یا نه؟» معتقدند مثبت است؛ و مگر ممکن است حادثه‌ای در جهان بدون اراده خدا تحقق پذیرد؟! البته باید توجه داشت که نتایج مفید و مثبت جنگ و خیرات و برکات آن، اصالتاً و اولاً، و شرور و مفسد آن بالتبع مورد اراده خداوند هستند. این سخن بدان معنا است که خداوند از روز نخست از طبیعت سفاک و وصف فسادگری و خون ریزی انسان آگاه بوده و می دانسته که این موجود، زندگی اجتماعی را عرصه جنگ و بیداد خواهد کرد؛ اما به مقتضای حکمت بالغه خویش، او را برای احراز مقام خلافت خود در روی زمین برگزید و او را آزادی کامل داد تا با اختیار خویش، یا راه کمال پوید و از فرشتگان برتر شود، و یا با فساد و تبهکاری و عصیان، از چارپایان فروتر و پست تر گردد.

(مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۳۵)

۳. باور به توحید ربوبی و نقش آن در مدیریت قدرت

در مبانی اسلامی هرگونه تدبیری از انسان در گرو اراده و مشیت الهی است. هیچ اراده‌ای

بدون خواست خداوند شکل نخواهد گرفت. بر اساس این دیدگاه انسان‌ها سرسپرده هیچ وجودی نیستند و تدبیر امور آنها در اختیار هیچ موجود دیگری نیست مگر خداوند و آنهایی که خداوند به آنها اجازه داده است. در این دیدگاه تبعیت از فرماندهان براساس اذنی است که خداوند به افراد مافوق به منزله امانتداران عهد الهی داده شده است لذا آنان در تدبیر و مدیریت خویش مستقل نیستند. مدیریت و تدبیر والیان و فرماندهان برای ماموران زیردست امانتی است که در آن استقلال و نفسانیت صرف حضور ندارد بلکه این جایگاهی واسطه‌ای است که به آنان اعطا شده است لذا هم فرمانده و هم ماموران و سربازان تحت فرماندهی آنها بر اساس چنین مبنایی جنگ‌ها و میدان‌های نظامی را مدیریت و اداره می‌کنند. اگر نیروهای نظامی و انتظامی به توحید ربوبی الهی باور داشته باشند و بدانند که همه تدابیر تحت هدایت الهی است و در مقام عمل نیز افراد بر اساس فطرت پاک الهی خود را آلوده نکنند هیچگاه دچار خودکامگی و سوء استفاده از قدرت نخواهند شد. تدبیر و اداره موجودات، دارای مصادیق فراوانی، مانند حفظ و نگهداری کردن، حیات بخشیدن و میراندن، روزی دادن، به رشد کمال رساندن، راهنمایی کردن و مورد امر و نهی قرار دادن است. پس آن کسی که مستقلاً و بدون نیاز به تدبیر موجودی دیگر، کار اداره جهان را انجام می‌دهد خداوند متعال است و خداوند در کار اداره جهان شریکی ندارد و به اصطلاح، تدبیر استقلالی عالم تنها از آن خداوند است. (مصباح، ۱۳۹۰: ۱۴۰ و ۱۴۱) لذا نیروهای نظامی و انتظامی باید به گونه‌ای آموزش ببینند که در اداره کردن و تدبیر زندگی خود چه در محیط کاری و نظامی و اجتماعی و چه در زندگی فردی خود، تنها از خدا کمک بگیرند و تنها به پروردگار متعال اعتماد و اتکا کنند و تنها بر او توکل کنند و از خود محوری و اعتماد استقلالی به خود و دیگران پرهیز کنند.

یکی دیگر از مظاهر توحید در ربوبیت تشریحی است. خداوند متعال تنها کسی است که سزاوار است برای موجودات مختاری همچون انسان، راه و روشی که مورد رضایت خودش است تعیین کند و بر اساس تدبیر عام خود، از آنها بخواهد از اختیار و اراده‌ای که به آنها اعطا کرده است تنها در آن راهی که او راضی است استفاده کنند. به عبارت دیگر، تنها خداوند است که مستقلاً و بدون نیاز به اذن دیگری، می‌تواند برای رفتار دیگران حد و مرز

تعیین کند و به آنها امر و نهی کند، و این دقیقاً به معنای انحصار حق قانون گذاری و تشریح استقلال‌ی در خداوند است «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» (یوسف: ۴۰): حکم تنها از آن خداوند است، است به طوری که اگر دیگران بخواهند قانونی وضع نمایند و برای دیگران تکلیفی تعیین کنند، تنها باید با اذن و رضایت الهی باشد. پس مقصود از توحید در ربوبیت تشریحی، که از توحید در ربوبیت تکوینی نتیجه می‌شود، آن است که هیچ کس بدون اذن الهی حق ندارد قانون وضع کند، به دیگران امر و نهی کند یا دیگران را به انجام دادن کار یا ترک کاری وادار کند و در مقابل، همه موظفند به همه اوامر و نواهی الهی گردن نهند و بی چون و چرا آنها را درباره خود و دیگران اجرا کنند. (مصباح، ۱۳۹۰: ۱۴۱ و ۱۴۲)

از آنجا که در نیروهای نظامی و انتظامی، فرماندهان و رده‌های بالا یا هر نیرویی که نسبت به دیگری دارای درجه ای بالاتر است، برای زیر دستان خود تکالیفی تعیین می‌کنند و به صورت‌های گوناگون، انجام دادن یا ترک کاری را از آنها می‌خواهند و آنها را به اطاعت از دستورات خود ملزم و وادار می‌کنند، باید بدانند که چنین حقی که اصالتاً از آن خداوند است تنها با اذن او برای دیگران ثابت می‌شود. و در وضع قوانین و اصول نظامی و کاری و حتی در قوانین خانوادگی و فردی باید از قوانین الهی الگوگیری شود و از آنها اخذ گردد و همچنین مخالف و مغایر با قوانین و دستورات الهی نباشند. توجه به توحید ربوبی و اینکه مؤثر در همه فعالیت‌های افراد خداست و خداوند است که اسباب پیروزی و شکست و قدرت و محبوبیت می‌شود باعث می‌شود نظامیان دچار غرور و خودکامگی نشوند و مردم و نیروهای زیر دست را کوچک و حقیر نشمرده و بدانند عزت بدست خداست، «تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (آل عمران: ۲۶) هر کس را بخواهی، عزت می‌دهی؛ و هر که را بخواهی خوار می‌کنی. تمام خوبی‌ها به دست توست؛ تو بر هر چیزی قادری» در آیه‌ای دیگر اینگونه می‌فرماید: «فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ وَ لِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (انفال: ۱۷) این شما نبودید که آنها را کشتید؛ بلکه خداوند آنها را کشت! و این تو نبودی (ای پیامبر که خاک و سنگ به صورت آنها) انداختی؛ بلکه خدا انداخت! و خدا می‌خواست مؤمنان را به این وسیله امتحان خوبی کند؛ خداوند شنوا و داناست». خداوند متعال در این آیه به پیامبرش می‌فرماید این ما بودیم

که دشمنان را کشتیم و حتی تیراندازی را هم به خود نسبت می‌دهد و این نشان دهنده این است که نیروهای نظامی و انتظامی در تمامی امور کاری و خدمتی خود از خدمت به مردم و برخورد با زیر دست گرفته تا در مراحل سخت و شرایط دشوار مانند درگیری با دشمنان باید همواره خداوند متعال را ناظر و یاور خود بدانند که چنین دیدگاهی باعث می‌شود همیشه از اقتدار خود در راه صحیح و درست استفاده کنند.

یکی از مواردی که در قرآن به گمان افراد در استقلال در تدبیر واکنش نشان داده شده است در جنگ احد است که لشکر اسلام به علت عمل نکردن به دستورات پیامبر ﷺ متحمل شکست گردید و عده قابل توجهی از مسلمانان به شهادت رسیدند، این منافق صفتان گفتند: «لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا؛ اگر ما را در این کار اختیاری می‌بود در این جا کشته نمی‌شدیم.» می‌گفتند اگر ما هم در تدبیر جنگ دخالتی داشتیم این همه کشت و کشتار نمی‌شد و ما طوری تدبیر می‌کردیم که این مقدار کشته ندهیم. خدای متعال پاسخ آنان را این گونه می‌دهد: «قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ؛ بگو: اگر شما در خانه‌های خود هم بودید، کسانی که کشته شدن بر آنان نوشته شده، به سوی قتلگاه‌هایشان می‌رفتند. اگر اجل آدمی سرآید چه در جبهه باشد و چه در رختخواب، مرگ او را درخواهد ریود، و اگر کشته شدن در زمان و مکانی خاص برای کسی تقدیر شده باشد به همان شکل کشته خواهد شد.» (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۱۰۵ و ۱۰۶)

بنابر این مقدرات جنگ و جهاد و حیات و مرگ افراد بدست خود نظامیان و جنگجویان نیست لذا استقلال در عمل و احاله کردن همه شرایط و اسباب و عمل به امور عادی و مادری در دیدگاه اسلامی پذیرفتنی نیست بلکه باید اسباب و عوامل را در طول اراده الهی تفسیر نمود.

نتیجه‌گیری

مبانی الهیاتی اسلام خداوند را به عنوان منشا و عامل خلقت و شئون مختلف حیات آدمی می‌داند. قدرتی که انسان از آن برخوردار است نیرویی است موهوبی از جانب خداوند که انسان و نظام‌های حاکمیتی باید خود را امانت دار چنین موهبتی بدانند. امانت بودن این

قدرت این الزام را در نیروهای نظامی و انتظامی ایجاد می‌کند که آن را در مواردی مصروف دارند که صاحب قدرت بدان راضی است. اراده الهی بر آن است که چنین قدرتی در خدمت اهداف متعالی حاکمیت اسلامی قرار گیرد از اینرو اعمال چنین قدرتی مصداق رحمت پروردگار است.

چنین هدف و غایتی از قدرت که مبتنی بر رحمت الهی است منجر به کنترل و مدیریت ذهن، عواطف و رفتار عاملان و سازمان‌های نظامی است و بجای خشونت، انتقام، کینه و دیگر ویژگی‌های ناشایست اخلاقی جایش را به خیرخواهی، هدایت و کمال و سعادت طلبی می‌دهد. البته این بدان معنا نیست که نیروهای نظامی نسبت به تعدی و تجاوز و گردنکشی زورگویان رافت و رحمت محض باشد بلکه مبتنی بر تعبیر قرآنی پذیرش چنین مبانی انسان را در مواجهه با دشمنان و خصم اشداء علی الکفار و نسبت به مومنان رحیم و مهربان می‌سازد.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

افجه، سیدعلی اکبر (۱۳۸۵)، مبانی فلسفی و تئوری‌های رهبری و رفتار سازمانی، تهران، سمت.
مصباح، مجتبی، یوسفیان، حسن، و فتحعلی، محمود (۱۳۹۰)، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی،
مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان.

سروش، عبدالکریم (۱۳۶۰)، دانش و ارزش، تهران، یاران.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، فرهنگ دهخدا، تهران، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

رایینز، استیفن پی (۱۳۸۶)، مبانی رفتار سازمانی، ترجمه علی پارساییان و سیدمحمد اعرابی،
تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگ.

نظری، علی اشرف (۱۳۸۴)، مفهوم قدرت در اندیشه سیاسی هابز، مجله دانشکده حقوق و علوم
سیاسی، پاییز، شماره ۶۹.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۲)، جنگ و جهاد در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام
خمینی علیه السلام.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰)، حقوق و سیاست، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۶)، آموزش عقائد، قم، چاپ و نشر بین الملل.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۹)، نظریه سیاسی اسلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام
خمینی.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴)، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، قم، مرکز انتشارات مؤسسه
آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸)، پیام مولا از بستر شهادت، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی
و پژوهشی امام خمینی.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۱)، دروس فلسفه اخلاق، قم، اطلاعات.

مصباح یزدی (۱۳۹۰)، سجاده‌های سلوک، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
معین، محمد (۱۳۸۲)، فرهنگ فارسی معین، تهران، نشر سی گل.

نیچه، جوزف پیتر استرن (۱۳۷۳)، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران، طرح نو.

- Bainton, Roland. (1960). *Christian Attitudes Toward War and Peace: A Historical Survey and Critical Re-Evaluation*. New York: Abingdon Press. The standard historical survey of Christian thought on ethics and war
- Christopher, Paul. (1994). *Ethics of War and Peace: An Introduction to Moral and Legal Issues*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- Hartle, Anthony. (1989). *Moral Issues in Military Decision Making*. Lawrence: University of Kansas Press. A very useful ethical analysis by a distinguished U. S. army soldier-scholar.
- Kelsay, John. (1992). *Islam and War: A Study in Comparative Ethics*. Louisville, KY: Merriam Webster; Merriam Webster,s Collegiate Dictionary, United states Of American, by Merriam Webster, 2003, Eleventh ed.
- Nardin, Terry, ed. (1996). *Ethics of War and Peace: Religious and Secular Perspectives*. Princeton, NJ: Princeton University Press. A useful attempt to compare Islamic, Jewish, pacifist, feminist and realist ethical traditions to the standard categories of western just war analysis
- Westminster/John Knox Press. The best short discussion of Islamic thought on war in English.